

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيِّدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه‌های پارسی قرآن

محمد سلطانی رنانی^{*}

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۳

چکیده

تعبیر ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيِّدِهِمْ﴾ (اعراف/۱۴۹) از جمله تعابیری است که مورد توجه قرآن‌پژوهان و ادیبان قرار گرفته است، از آنجا که در آثار برجای‌مانده پیش از قرآن، چنین تعبیری یافت نمی‌شود، در تحلیل ادبی و معنای مراد از آن اختلاف روی داده است. عموم پژوهشگران پس از توضیح مفردات این تعبیر، سعی کرده‌اند میان معنای ظاهری واژگان آن و معنای مقصود از آن، ارتباطی تصویر کنند. پژوهش حاضر سعی نموده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تبیین ابعاد مختلف این تعبیر بپردازد. نتیجه این تلاش، سیزده دیدگاه گوناگون در تحلیل ادبی - بلاغی آن است که در چهار دسته قرار می‌گیرند: بیشتر پژوهندگان این تعبیر را کنایه یا استعاره از پشیمانی دانسته‌اند. برخی آن را به معنای تباهی، از کار افتادن و بی‌ارزش شدن تلاش آدمی و دستاوردهایش می‌دانند. گروه سوم، این تعبیر را به معنای ناتوانی کامل می‌شمردند. برخی قرآن‌پژوهان بر آن هستند که "سَقَطَ فِي يَدِهِ" به معنای مواجه شدن با امر ناگهانی، ناپسند و ترسناک است، و پشیمانی، ناتوانی، و تباهی ممکن است در پی چنین مواجهه‌ای روی دهد. دقت در قرائن موجود در آیه ۱۴۹ اعراف، بررسی فراگیر سخنان مفسران، و جستجو در کاربردهای این تعبیر در آثار ادبی، تاریخی و حدیثی، دیدگاه چهارم را تقویت می‌کند. مترجمان قرآن کریم برای بازگردان این تعبیر راه‌های مختلفی را در پی گرفتند؛ و در نهایت برای ترجمه فارسی آن، عبارت "و چون ناگاه با ناشناخته ناگواری روبرو شدند" پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: ﴿سَقَطَ فِي أَيِّدِهِمْ﴾، ترجمه فارسی قرآن کریم، کنایه‌های قرآنی، مثل‌های قرآنی

۱- مقدمه

بی‌گمان بررسی و بازشناسی اصطلاحات، تعابیر کنایی، و استعاره‌ها، امری ضروری در تفسیر و ترجمه قرآن کریم است. این مقاله یکی از تعبی‌های به‌کاررفته در سوره اعراف را بررسی می‌کند.

۱-۱- تعریف مسأله

قرآن کریم در حکایت سرگذشت بنی‌اسرائیل، پس از نجات از حکومت فرعون و خروج از مصر، به نزول تورات و به ویژه ده فرمان اصلی دیانت موسوی می‌پردازد. حضرت موسی بر پایه وعده‌ای سی‌روزه به کوه طور می‌رود و خداوند ده روز بر این وعده می‌افزاید. در همین ده روز، قوم موسی آزموده می‌شوند. سامری از زیورهای طلایی، گوساله‌ای برای بنی‌اسرائیل می‌سازد تا آنان هم، همچون مصریان، خدایی بر زمین نشسته، طلاپی و در هیئتی حیوانی داشته باشند. پس از این رویداد، قرآن کریم درباره بنی‌اسرائیل، این تعبیر را به کار می‌برد: ﴿وَلَمَّا شَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ (اعراف/۱۴۹). این تعبیر تنها یک بار و در بیان حالت بنی‌اسرائیل پس از گوساله‌پرستی در قرآن کریم به کار رفته است. سابقه‌ای از این تعبیر یا مشابه آن در ادبیات عربی پیش و معاصر قرآن کریم یافت نمی‌شود، مفسران و لغت‌پژوهان نیز درباره این تعبیر سخن گونه‌گون گفته‌اند تا آنجا که از ابن‌سراج نحوی (م ۳۱۶) چنین نقل شده که "دریافت معنای تعبیر شَقِطَ فی یدیه مرا به زحمت انداخته است" (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۵۶). مسأله مورد بررسی این مقاله، پژوهش درباره واژه‌ها و ساخت‌های صرفی به‌کاررفته در این تعبیر، ساختار نحوی آن، و بیش از همه، معنای برآمده از این تعبیر است. بیشتر مفسران و مترجمان این تعبیر را به معنای پشیمانی دانسته‌اند که این دیدگاه مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲- پیشینه پژوهش

تعبیر ﴿شَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ از سه جهت مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

نخست از آن جهت که در سوره اعراف و در جزء نهم قرآن قرار دارد، در پژوهش های سوره محور یا جزء محور مورد بررسی قرار گرفته است.

پایان نامه "تأثیر صور بیانی در ترجمه جزء نهم قرآن کریم"، اثر زهرا ثواب (به راهنمایی دکتر افخمی، ۱۳۹۵، دانشگاه یزد) به اجمال درباره ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ اظهار نظر کرده و آن را معادل و مترادف اصطلاح "از دست رفتن" در فارسی دانسته است.

همچنین پایان نامه "تحلیل تفسیری تشبیهات و استعاره های سوره های کهف، اعراف و ابراهیم" اثر معصومه شکری (به راهنمایی دکتر غروی، ۱۳۹۴، دانشگاه قم)، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به عنوان "سقوط قوم بنی اسرائیل بر دستانشان" به عنوان یک استعاره به اختصار تحلیل کرده است. البته آثاری که به بررسی لغوی-بلاغی سوره اعراف یا جزء نهم پرداخته اند، به پیروی از دیدگاه غالب مفسران، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای پشیمان شدن دانسته اند.

جهت دوم که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را دربرمی گیرد، آثاری است که به مجاز، استعاره و کنایه برگرفته از اعضای بدن، و به ویژه دست (ید) پرداخته است. همچون مقاله "دراسة کنايات الید في القرآن الکریم و الأدب العربي" اثر محمد اسماعیل (آفاق الحضارة الاسلامیة، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۰-۹).

جهت سوم، آثاری است که به ویژه درباره نقد و بررسی ترجمه فارسی قرآن کریم تدوین و انتشار یافته اند. تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ مورد توجه برخی از مترجمان قرار گرفته است، چنانکه حسین استادولی در مصاحبه با خبرگزاری ایکننا، ترجمه تحت اللفظی قرآن کریم را ناممکن دانست و به عنوان نمونه تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را مثال زد، و آن را اصطلاحی معادل "به خود آمدن" برشمرد (روزنامه اعتماد، مورخه ۱۳۹۳/۵/۲۳).

۱-۳- سوالات پژوهش

در بررسی همه جانبه تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾، نکات ذیل در عرصه های لغت، نحو، بلاغت، تفسیر و ترجمه طرح می شود:

- ۱- معنای واژه‌های به‌کار بسته شده در تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾.
- ۲- مفهوم ساخت مجهول از ماده "س ق ط".
- ۳- تحلیل نحوی تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾.
- ۴- بررسی نائب فاعل در تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾.
- ۵- تحلیل بلاغی و گونه‌شناسی (حقیقت، مجاز، یا کنایه) تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾.
- ۶- ارتباط سیاق آیات ۱۵۵-۱۴۸ اعراف با معنای تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾.
- ۷- جایگاه تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾ و همانندهای آن در شعر و نثر عربی، پیش و پس از قرآن.

بر این اساس می‌توان پرسش اصلی و محوری این پژوهش را چنین طرح کرد: با توجه به شعر و نثر عربی متقدم و معاصر، سخن لغت‌شناسان و ادیبان عرب، سیاق آیات سوره اعراف، و آراء مفسران قرآن کریم، تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾ به چه معناست؟ و چه معادل فارسی برای آن پیشنهاد می‌شود؟

۲- مبانی نظری پژوهش

تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾ نخستین بار در قرآن کریم به‌کاررفته است؛ از این رو برای بررسی ساختار و معنای این تعبیر، نخست باید جایگاه این تعبیر در سوره اعراف و بافت آیات پیش و پس از آن در نظر گرفته شود و در گام دوم، این تعبیر بنابر مجموعه دانش‌های عربی؛ لغت، صرف، نحو و بلاغت، بررسی شود.

۲-۱- تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾ در قرآن کریم

ماده س ق ط در ساخت‌های ثلاثی مجرد؛ ماضی ﴿سَقَطُوا﴾ (توبه/۴۹)، مضارع ﴿تَسْقُطُ﴾ (انعام/۵۹)، اسم فاعل ﴿ساقِطاً﴾ (طور/۴۴)، و ساخت باب افعال ﴿تُسَقِطُ﴾ (اسراء/۹۲) و باب مفاعله ﴿تُسَاقِطُ﴾ (مریم/۲۵) در قرآن کریم به کار رفته، و تعبیر ﴿شَقِطَ فِي آيِدِيهِمْ﴾ تنها یک بار در قرآن کریم آمده است:

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی رنانی

﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ يُغْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (اعراف/۱۴۹).

این آیه وضعیت بنی اسرائیل را پس از غیبت حضرت موسی و گمراهی گوساله پرستی بیان می کند. حضرت موسی از غیبت چهل روزه بازگشته، الواح تورات بر دوش دارد و البته از رفتار قوم خویش بسیار خشمگین است. آن گاه بنی اسرائیل ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ و دیدند که گمراه شدند، گفتند...

عموم مفسران، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را در این آیه به معنای پشیمان شدن، دانسته اند (به عنوان نمونه طوسی، بی تا، ج ۴: ۵۴۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۶۰). ابن جریر طبری (م ۳۱۰) این معنا را به عرب زبانان نسبت می دهد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۹: ۴۴). پس از این، به تفصیل این معنا مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت.

۲-۲- واژه های ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾

ماده "س ق ط" بر فروافتادن دلالت دارد، چه آنکه محسوس باشد همانند فروافتادن جنین از شکم مادر، و چه آنکه در معنی باشد، همچون کالا یا سخن معیوب و نادرست که از درجه صحت و زیبایی فروافتاده است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۸۶). این سخن مورد پذیرش عموم لغت نویسان قرار گرفته است (به عنوان نمونه ر.ک: زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۲۸۳). محمدحسن جبل، معنای محوری ماده س ق ط را آن چنان فروافتادنی می داند که به قدرت و در پی جدایی از جایگاه نگه داریش انجام گیرد؛ آن گونه که جنین از شکم مادر فرومی افتد یا خرما ی نارس از نخل بر زمین فروافتد (جبل، ۲۰۱۰، ج ۲: ۱۰۳۵).

ماده س ق ط، لازم است و مفعول به بی واسطه نمی گیرد. ماده س ق ط در ساخت های مجرد با حروف جرّ "فی، عن، من، علی" همراه می شود؛ همچون: ﴿فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا﴾ (توبه/۴۹)، "وَلَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَتَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةٌ" (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۲۰۲)، "وَكَاَنَّ مَا وَنَىٰ فِيهِ سَاقِطٌ عَنْهُ" (همان: ۱۴۹)، "رَجُلٌ أَبْصَرَ طَائِرًا فَتَبِعَهُ حَتَّى سَقَطَ عَلَى شَجَرَةٍ" (کلینی،

۱۳۶۲، ج ۶: ۳۱۳). همراه شدن ماده س ق ط با حرف "فی" نشان‌دهنده جایگاه فروافتادن است.

"ید" در معنای حقیقی و نخستین خویش به معنای دست است، هر چند در کاربری ثانوی به معنای قدرت، بخشش، نفوذ، و تأیید به کار می‌رود (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۱۹). واژه ید در تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» در معنای نخستین خویش، دست، به کار رفته است.

۲-۳- تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» در ساخت صرفی و ساختار نحوی

ماده س ق ط لازم است، و ساختن فعل مجهول از ریشه‌های لازم تنها بر پایه کاربری عرب اصیل و پذیرش در میان عرب‌زبانان متقدم مجاز خواهد بود. از این روی، پژوهشگران عرصه ادبیات عرب، تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را استثنایی و تقلیدناپذیر دانسته‌اند. سیوطی (م ۹۱۱) تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را ساختاری بر پایه فعل مجهول می‌شمرد (سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۰۴) و از ابن مالک (م ۶۷۲) نقل می‌کند که این تعبیر صرف‌پذیر نیست (همان: ۵۰) و ابوحیان اندلسی (م ۷۴۵) نیز این نکته را متذکر می‌شود که هر چند ماده س ق ط تصریف‌پذیر است، ولی تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» تصریف نمی‌پذیرد (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۷۹). از این روی، فعل "سَقَطَ" در این تعبیر واژه‌ای جامد دانسته شده است؛ واژه‌ای که هر چند به گونه فعل بیان شده، ولی همچون یک حرف، معنایی نامستقل و بریده از زمان دربردارد و بر رویداد فعل (حَدَث) دلالتی ندارد. از این روی، صرف نمی‌پذیرد و همواره به یک صورت و ساخت به کار می‌رود؛ همچون عَسَى و لَيْسَ که فعل به شمار می‌آیند، ولی ویژگی‌های فعلی ندارند.

از سویی دیگر، در کاربری فعل مجهول، باید واژه‌ای در نقش نائب‌فاعل یافت شود. در افعال متعدی، مفعول‌به، به جای فاعل می‌نشیند، و نائب‌فاعل می‌شود؛ همچون آیه «وَغِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ» (هود/۴۴).

در افعال لازم دو وجه بیان شده است:

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

نخست آنکه مصدر همان فعل مجهول به عنوان نائب فاعل شناخته می شود، به عنوان نمونه در آیه ﴿إِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ (حاقه/۱۳) واژه نَفْخَةٌ نائب فاعل دانسته می شود.

وجه دوم آن است که جارومجرور در جایگاه نائب فاعل قرار گیرد. در تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ نیز این دو امر رواست. به بیان دیگر، نائب فاعل در این تعبیر یا کلمه سقوط است: "سَقِطَ سَقُوطٌ فِي يَدِهِ" (ابن عطية، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۵۵) و یا آنکه جارومجرور، "في يده"، در جایگاه نائب فاعل به شمار می آید (ر.ک: ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۷۹؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۷: ۴۳۰) و از ابواسحاق زجاج (م ۳۱۱) چنین نقل شده که نائب فاعل واژه "الندم" [پشیمانی] است، گویی تعبیر چنین است: "سَقِطَ النَّدَمُ فِي يَدِهِ" (ابن عطية، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۵۵). این سخن بر این پایه است که معنای تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ به معنای پشیمانی باشد. اسماعیل بقاعی (م ۸۸۵) نیز بر آن است که نائب فاعل در تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ "أسنان" (دندان ها) است، گویی از شدت ناگواری و پشیمانی، دندان های آنان در دست هایشان فرو افتاده شد (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۱۵).

گذشته از تحلیل صرفی نحوی "سَقِطَ"، گفته شده که حرف جرّ "فی" در تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ به معنای "علی" است. بر این پایه، تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ به معنای سر فروآوردن بر دست به هنگام پشیمانی دانسته می شود (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۷۹). این سخن بر دو پایه استوار است؛ نخست آنکه چندمعنایی در حروف و ادات را ممکن و واقع بدانیم که برخی از ادیبان چنین مبنایی را نپذیرفته اند (از آن جمله خضری، ۱۴۰۹: ۱۴) و دوم آنکه ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای پشیمانی بدانیم.

۲-۴- تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و تحلیل بلاغی

مفسران قرآن، لغت شناسان و ادیبان همه بر این امر متفق هستند که تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ اصطلاح است و از چارچوب معنای حقیقی و نخستین واژگان به کاررفته، خارج است. به بیان دیگر، در تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ آرایه ای ادبی - بلاغی لحاظ شده است که آن را از

معنای تحت‌اللفظی فراتر می‌برد. در این آرایه، تصویری نهفته است، و البته برای درک معنای تعبیر «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» و شناخت آرایه به‌کاررفته در آن، باید آن تصویر نهان و معنای مقصود محوری را آشکار ساخت.

در جستجوی فراگیر سیزده دیدگاه در تحلیل عبارت «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» یافتیم. بی‌گمان طرح، شرح و بررسی این دیدگاه‌ها راه را برای یافتن معنای محوری و اصلی این عبارت می‌گشاید.

این دیدگاه‌ها را می‌توان در چهار دسته جای داد:

۱- آن دسته از صاحب‌نظران که معنای اصلی تعبیر «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را پشیمانی می‌دانند، در تحلیل بلاغی آن شش گونه سخن گفته‌اند.

* ابواسحاق زجاج، ریشه تعبیر «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را آن می‌داند که ندامت در قلب فروافتاده شد. و آنچه را در قلب روی داده، به دست نسبت داده شده است، چنانکه دیگر کردارها و حالات آدمی را نیز به دست وی نسبت می‌دهند (زجاج، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۷۸). بنابر این سخن، ماده س‌ق‌ط در معنای حقیقی خود به کار رفته است، نائب‌فاعل سُقِط نیز ندامت (پشیمانی) فرض شده است، ولی واژه ید در معنای حقیقی خویش به کار نرفته و مقصود از آن قلب است. در واقع، رویداد درونی و فعلِ جوانحی به رویداد برونی و فعلِ جوانحی تشبیه شده، واز آنجا که بیشتر رویدادهای برونی و افعال جوارحی به "ید" انجام می‌گیرد، ید به استعاره در معنای قلب به کار رفته است.

* نصر بن محمد سمرقندی (م ۳۹۵) نیز تعبیر «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را به معنای پشیمانی می‌داند، ولی واژه "ید" را به معنای حقیقی خود می‌داند و ریشه "سُقِطَ فِي يَدِهِ" را در آن می‌داند که آدمی به هنگام پشیمانی، دست بر سر می‌گذارد (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۵۵۲). بنابر سخن سمرقندی، گویی سرِ فرد نادم بر دستش فروافتاده است؛ از این روی، نائب‌فاعل سُقِط را باید واژه "رأس" بدانیم.

* فخررازی (م ۶۰۶) این وجه را به گونه‌ای دیگر طرح می‌کند؛ به بیان وی، تعبیر «سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» ممکن است ریشه در آن داشته باشد که فردِ پشیمان سر بر دستان

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

خویش فرومی آورد، پس به واقع "بر دستان وی فروافتاده شده است" (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۳۶۹).

* زمخشری (م ۵۳۸) در تحلیل تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ می نویسد: از آنجا که فردِ پشیمان دست خویش به دندان می گزد، پس گویی دهان وی در دستانش فروافتاده است. وی ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را همانند تعبیر ﴿يُعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ﴾ (فرقان/۲۷؛ ستمکار دودست خویش را می گزد) می داند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۶۰). بنابر نظر زمخشری، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ سخن به کنایه است، از آن روی که لازمه ی پشیمانی (فروافتادن دهان در دستان=دست به دهان گزیدن) را به معنای پشیمانی به کار گرفته است. بسیاری از مفسران این سخن را پذیرفته اند (از آن جمله، طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۷۱).

* اسماعیل بقاعی تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای شدت اندوه و پشیمانی می داند، وی بر آن است که گویی دندان ها از اندوه و پشیمانی در دست فروافتاده است، و از این رو گفته می شود: ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۱۵). بنابر این سخن، واژگان سقط و ید در معنای حقیقی خود به کار رفته اند، نائب فاعل سَقَط، الاسنان (دندان ها) است، و این تعبیر، کنایه است.

* محمد ابوزهره (م ۱۳۹۵) نیز هر چند ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای پشیمانی می داند، ولی در تحلیل بلاغی آن سخنی دگرگونه دارد. وی می نویسد: تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ از آن روست که اندیشه آدمی از سرش به دستش فروافتد، و به جای چاره اندیشی، از پشیمانی دست بر دست زند یا دست به دندان بگزد. (ابوزهره، بی تا، ج ۶: ۲۹۵۷). بنابراین ابوزهره نیز سخنی همانند سمرقندی و زمخشری می گوید، ولی نائب فاعل سَقَط را "التفكير" (اندیشه ورزی) می شمرد.

قرآن پژوهان نامبرده، نخست مسلم دانسته اند که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ به معنای پشیمانی است، و بر پایه این فرض، سعی کرده اند ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به گونه ای تحلیل کنند که با معنای پشیمانی سازگار افتد. در حالیکه به نظر می رسد معنا باید از درون تحلیل بلاغی و سیاق گفته و البته فهم ادیبان عرب به دست آید.

۲- آن دسته از مفسران که تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را به معنای تباهی، از کار افتادن و بی‌ارزش شدن تلاش آدمی و دستاوردهای وی می‌دانند، در تحلیل بلاغی آن چهار گونه سخن گفته‌اند.

* ابن عطیه اندلسی (م ۵۴۲) بر آن است که تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» الزاماً به معنای پشیمانی نیست؛ بلکه آنگاه که تلاش یا بازدارندگی کسی اثر نبخشد، گویی کوشش وی از دستش خارج نشده و در جایی تاثیر نگذاشته، بلکه در دستانش فروافتاده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۵۶). بنابراین سخن، واژگان سقط و ید در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند، و نائب فاعل سَقَطَ سَعَى (تلاش) است. سیدمحمد شیرازی (م ۱۴۲۲)، سخن ابن عطیه را می‌پذیرد و تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را چنین تحلیل می‌کند که آدمی دستاورد خویش را بی‌ارزش بباید، و کردار خویش را همچون کالایی ساقط از اعتبار در دستان خویش بباید (شیرازی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۲۴۷).

* ابن عاشور تونسلی (م ۱۳۹۴) می‌نویسد: دست ابزار انجام کار است، و در قرآن کریم نیز در همین معنا به کار رفته است، چنانکه حضرت داوود به «ذَا الْأَيْدِ» (ص/۱۷) توصیف شده است. پس آن گاه که آدمی از انجام کار بازماند و گویی دستش ناتوان از حرکت شود، شایسته است که بگوییم: در دستانش چیزی فروافتاده که آن را از حرکت بازداشته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸: ۲۹۴). بنابر سخن ابن عاشور، نائب فاعل سَقَطَ، آن چیزی است که آدمی را از حرکت و تلاش بازداشته است.

* سقوط در برابر رفعت است، و همان گونه که رفعت بر شرف و والایی دلالت دارد، سقوط بر نادرستی و تباهی دلالت دارد. از این روی، تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» بدان معناست که دستاورد آدمی فاسد و باطل شده است. این سخن بیشتر بر معنای ساقط و سَقِيط به معنی فاسد، و از درجه اعتبار افتاده تأکید دارد (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۳۶۹).

* تعبیر «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» از واژه سَقِيط به معنای شبنم است، و از آنجا که شبنم چون بر دست فروافتد، به حرارت دست از میان می‌رود؛ «سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» را نیز درباره کسی به کار می‌برند که تلاش وی بیدرنگ و به تمام از میان رفته و اثری باقی نگذاشته است.

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی رنانی

فخررازی این وجه را از ابوالحسن واحدی (م ۴۶۸) نقل می کند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۳۶۹)، هر چند آن را در آثار واحدی نیافتیم.

۳- برخی از مفسران، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای ناتوانی کامل دانسته اند. دو وجه را در تحلیل این سخن بنگرید:

* محمد بن جریر طبری می نویسد: ریشه تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در اسیر گرفتن است، کسی را بر زمین می زنند و دست می بندند تا به اسارت گیرند. آن کس که بر زمین افکنده شده، بر دستش فروافکنده شده است. از این روی به هر ناتوان و فروافتاده ای گویند: "سَقَطَ فِي يَدِهِ" (طبری، ۱۳۸۷، ج ۹: ۴۳). بنابر سخن طبری، واژگان سقط و ید در معنای حقیقی خود به کار رفته است، و نائب فاعل سَقَطَ نیز "اسیر" است، و ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ کنایه از ناتوانی کامل است.

* عبدالرحمن بن حنبله میدانی (م ۱۴۲۵) تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را بدان معنا می داند که غل و زنجیر سنگین باری به سرعت بر دستان آدمی فروافکنده شود، به گونه ای که وی را بر زمین اندازد (میدانی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۵۷۱). ابن حنبله در این سخن با طبری هم سو است، جز آنکه نائب فاعل سَقَطَ را أغلال (غل و زنجیر) می شمرد.

۴- برخی از صاحب نظران، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای روبه رو شدن ناگهانی با امری ناگوار دانسته اند. به نظر می رسد شیخ طوسی (م ۴۶۰) نخستین کسی که این چنین گفته است؛ وی می نویسد: تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ بدان معناست که گویی بلا در دستان آنان فروافتاده است و آن را در دستانشان یافته اند (طوسی، بی تا، ج ۴: ۵۴۸). علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲) در معنای ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾، سخن شیخ طوسی را نقل می کند، و البته آن را به طبری نسبت می دهد، و پس از آن می نویسد: در تفاسیر مطوّل وجوه بسیاری در تحلیل این جمله آمده است که بیشتر یا همه آنها خالی از دلیل و مستند است، و به نظر صحیح ترین سخن همان است که از مجمع البیان نقل کردیم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۵۰). پس از این بیشتر بدین وجه خواهیم پرداخت.

بر اساس آنچه گذشت، عموم مفسران واژه "سَقِطَ" را به کاررفته در معنای حقیقی خود می دانند. بیشتر مفسران؛ از جمله سمرقندی، زمخشری، بقاعی و طوسی، واژه ید را نیز به معنای حقیقی خود می دانند، و برخی دیگر همچون زجاج ید را در تعبیر «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» به کاررفته در معنای مجازی می شمردند. تفاوت اساسی و تعیین کننده در تحلیل بلاغی مفسران از تعبیر «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» در دو نقطه متمرکز است: نخست آنکه نائب فاعل "سَقِطَ" چیست؛ الندم (پشیمانی)، الرأس (سر)، الاسنان (دندان‌ها)، السعی (تلاش)، التفکر (اندیشه)، الاغلال (غل و زنجیر)، البلاء... و نکته دوم آنکه عبارت «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» در کلیت خویش، کنایه از چیست؛ پشیمانی، ناتوانی، تباهی دست آوردها، یا مواجه شدن با امری ناگوار و ناگهانی؟!

۳- معنای عبارت «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ»

برای دست یابی به معنای محوری و اصلی «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» تحقیق و بررسی دو گزاره ضروری است:

گزاره نخست سلبی است: «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» به معنای پشیمانی نیست.

گزاره دوم ایجابی است: «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» به معنای مواجه شدن با امر ناگوار و ناگهانی است.

مراجعه و کنکاش در آثار تفسیری و ادبی، در این مسیر تعیین کننده است.

۳-۱- «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» و پشیمانی

بیشتر مفسران قرآن و لغت شناسان بر آنند که «سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» به معنای پشیمانی است. این معنا از قرآن پژوهان نخستین، همچون عبدالله بن عباس (واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۱۱)، زید بن علی (زید شهید، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۴۳)، مقاتل بن سلیمان (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۲: ۶۴) و یحیی فرّاء (فرّاء، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۹۳) نیز نقل شده و تا آنجا فراگیر شده که فخررازی مدعی است که مفسران به اتفاق این تعبیر را به معنای پشیمانی شدید می دانند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۳۶۹).

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

این ادعا قابل بررسی و نقد است؛ نخستین کاربست این تعبیر در قرآن کریم است، بنابراین به سوره اعراف مراجعه می کنیم و سیاق آیه ۱۴۹ را بازنگری می کنیم، آیا عبارت ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ می تواند به معنای پشیمانی باشد؟

ابوحیان اندلسی در بررسی دیدگاه مفسران نسبت به تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ می نویسد: پشیمانی و افسوس خوردن پس از آن روی می دهد که آدمی خطای خویش را بداند، حال چگونه در آیه، نخست تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ آمده است که بنابر دیدگاه مفسران بر پشیمانی دلالت دارد. و پس از آن آمده که بنی اسرائیل دیدند که گمراه شده اند! چاره ای جز این نیست که گفته شود تقدیم و تأخیری روی داده است؛ به جای آنکه بفرماید: چون دیدند که گمراه شدند، پشیمان شدند و گفتند... فرموده است: چون پشیمان شدند و دیدند که گمراه شدند، گفتند... . ابوحیان پس از طرح این سخن، در پشتیبانی از نظر مفسران و تأکید بر همان معنای پشیمانی می نویسد: چنین تقدیر و تقدیم و تأخیری لازم نیست، زیرا ممکن است آدمی در صحت یا خطای کاری شک کند، و در پی این شک، از انجام آن پشیمان شود، و پس از آن بیشتر بیندیشد و بداند که گمراه شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۷۹).

این نقد مورد توجه ابن عاشور نیز قرار گرفته و وی را به پاسخ واداشته است. وی می نویسد: مقتضای ظاهر سخن آن است که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ پس از عبارت ﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾ بیاید، بدین تقریب که نخست بنی اسرائیل با خشم و توبیخ حضرت موسی روبرو شدند، و پس از آن از کردار خویش پشیمان شدند. ولی سخن از پشیمانی پیش افتاده است تا شنوندگان این آیات پند گیرند و عاقبت گمراهی را بدانند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸: ۲۹۴).

محمدرشید رضا (م ۱۳۵۴) نیز بدین نکته توجه نموده و تلاش کرده است پاسخی ارائه کند، وی می نویسد: بنابر قواعد نحو عربی، حرف عطف واو بر ترتیب زمانی یا منطقی دلالت ندارد و چه بسا آنچه مقدم نیست، در بیان پیشتر ذکر شود. همچنین می توان گفت:

تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» بر پشیمانی ناآگاهانه و تقلیدی بنی اسرائیل دلالت دارد، ولی پشیمانی آگاهانه آنان زمانی روی داد که دانستند گمراه شده‌اند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۰۵). بنابراین هر سه مفسر بدین نکته توجه داشته‌اند که اگر تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» به معنای پشیمانی باشد، در ترتیب و چینش گزاره‌های آیه اختلال پیش می‌آید، و هر سه تلاش کرده‌اند در برابر این اشکال پاسخی ارائه دهند، ولی به واقع پاسخ‌های آنان قانع‌کننده نیست. پیش از بازگشت حضرت موسی، بنی اسرائیل از بت‌پرستی خویش پشیمان نشده بودند، در این کردار خویش نیز تردیدی نداشتند، پس نمی‌توان فرض کرد که آنان در پی شک یا تقلید ناآگاهانه از بت‌پرستی پشیمان شدند! در عطف به او نیز ترتیب متعارف و پذیرفته در بلاغت آن است که بر پایه حکمتی شکل گیرد، تقدیم و تأخیر در معطوف‌ها بدون نکته بلاغی، خردمندانه نیست. بر این اساس، اشکال و ابهامی که ابوحیان طرح می‌کند، پابرجا باقی می‌ماند: اگر تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» به معنای پشیمانی باشد، چینش آیه ۱۴۹ اعراف دچار اختلال می‌شود؛ بنی اسرائیل نخست پشیمان شدند، و پس از آن دیدند که گمراه شدند!

از این رو، بسیاری از مفسران تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» را به معنای پشیمانی ندانسته‌اند. صریح‌ترین گفته در اینباره، از آن ابن عطیه اندلسی است، وی می‌نویسد: "العربُ تقول لمن كان ساعياً لوجه أو طالباً غايةً ما، فعرضه ما غلبه و صدّه عن وجهته و أوقفه موقف العجز عن بُغيته و تيقن أنه قد عجز: سَقَطَ فِي يَدِ فلان... و الندم عندي عَرَضٌ يَعُوضُ صاحب هذه الحال و قد لايعرضه فليس الندم بأصل في هذا" (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۵۶).

عرب‌زبانان بدان کس که برای دستیابی به چیزی تلاش کند و مانعی وی را جلوگیری کند و راهش را ببندد و وی را ناتوان گذارد، گویند: سَقَطَ فِي يَدِهِ... و پشیمانی ممکن است بر چنین کسی روی دهد، و ممکن است روی ندهد؛ بنابراین پشیمانی در معنای این تعبیر، ریشه ندارد.

سخن ابن عطیه مورد پذیرش محمد بن جزّی (م ۷۴۱؛ ابن جزّی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۰۲) و سید قطب (م ۱۳۸۷؛ سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۳۷۴) نیز قرار گرفته است.

بررسی ﴿لَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

همچنین سخنی که از ابوالحسن واحدی نقل شد، به کمال بر آن دلالت دارد که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ بر پشیمانی دلالت ندارد (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۳۶۹) و محمود نیشابوری (م ۵۵۳) نیز نقل می کند که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ مثلی است برای کسی که ترسیده باشد (نیشابوری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۶۷).

شاعران و ادیبان عرب زبان نیز از تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و همانند آن، معنای پشیمانی دریافت نکرده اند. برخی از لغت شناسان و مفسران قرآن تصریح کرده اند که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ نخست در قرآن کریم به کار بسته شده است، و عرب زبانان پیش از نزول قرآن آن را نمی دانستند. این مطلب را سمین حلبی (م ۷۵۶) از عبدالرحمن زجاجی (م ۳۴۰) نقل می کند (سمین، ۱۴۱۴، ج ۵: ۴۶۲). در پی جستجو در اشعار عرب جاهلی و متون باقی مانده از عرب نخستین نیز تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ یا شبیه بدان، یافت نشد. هیچ یک از لغت پژوهان نیز مصرع شعر یا گفته ای از عرب پیش از اسلام نقل نکرده اند که چنین عبارتی را در درون داشته باشد. توجه بدین نکته ضروری است که هر سخنگوی ادیب را سزااست که تشبیه، استعاره، کنایه یا اصطلاحی را بیافریند و برای نخستین بار به کار ببرد، البته اگر اهل آن زبان این نوآفرینی را بپذیرند و به کار بندند، این نوآوری مقبول و مطبوع واقع می شود، و اگر نپذیرند و به کار نبنند، مردود خواهد بود. پس ایراد و اشکالی ندارد که خداوند در قرآن کریم، به منزله یک نوآور در زبان عربی، اصطلاح، تشبیه و یا استعاره نوینی طرح کند.

پس از آنکه این تعبیر یک بار در قرآن کریم به کار آمد؛ در احادیث به کار گرفته شد. علی بن ابراهیم قمی حدیثی از امام باقر درباره هاروت و ماروت نقل می کند که در ضمن آن تعبیر "سَقَطَ فِي أَيَدِهِمَا" آمده است (قمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۸). همچنین از امام صادق (ع) حدیثی نقل شده که در آن تعبیر "سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ" آمده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸: ۲۱۰). این گونه تعبیرها در دیگر آثار متقدم نیز دیده می شود. محمد بن اسحاق (م ۱۵۱) می نویسد: آن گاه که عمر شنید که خواهرش اسلام آورده است به خانه وی درآمد، صدای قرآن را شنید، و چون خواهرش به صراحت اسلام خویش را آشکار کرد، "سَقَطَ فِي يَدَيْهِ" (ابن اسحاق،

۱۳۹۸، ج ۱: ۶۳)، همچنین می‌نویسد: "فَلَمَّا رَأَتْ قُرَيْشٌ إِسْلَامَ عُمَرَ سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ". (همان، ۶۴) و ابن سعد بغدادی (م ۲۳۰) نوشته که چون قریش ظهور اسلام و فراوانی مسلمانان را دیدند، "سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ" (ابن سعد، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۵۸) بی‌گمان اسلام آوردن خواهر یا فراوانی مسلمانان، موجب پشیمانی عمر یا مشرکان قریش نشده بود، آشکار است که منظور ابن اسحاق و ابن سعد آن است که عمر و قریش آن گاه که اسلام آوردن دیگران را دیدند، به ناگاه با امر غیرمترقبه و ناگواری روبرو شدند. ابو مخنف (م ۱۵۷) در گزارشی از نبرد یاران مختار و عبدالله زیاد می‌نویسد: چون زیاد بن انس در نبرد با ابن زیاد کشته شد، یارانش دل از دست دادند و "أَسْقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ" (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۹۱). بی‌گمان مرگ زیاد بن انس، پیروان مختار را از نبرد با ابن زیاد پشیمان نکرد، بلکه مرگ وی برای آنان امری نابهنگام و خوفناک بود.

ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶) گزارش می‌دهد که چون مردم از مفاد نامه قُتُم بن عباس به امیرمومنان علی آگاه شدند، "سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ" (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج ۱: ۵۶). در این مورد نیز، مردم پشیمان نشدند، بلکه ناگاه بیمناک شدند.

محمد واقدی (م ۲۰۷) می‌نویسد چون شیطان به روز احد فریاد زد که محمد مصطفی کشته شد، "سَقَطَ فِي أَيْدِي الْمُسْلِمِينَ" (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۳۵)؛ همچنین می‌نویسد: چون به عبدالله بن ابی، مرگ زید بن رُفاعة را خبر دادند، "أَسْقَطَ فِي يَدَيْهِ" و اندوهگین شد. آنچه بر مسلمانان، یا بر ابن ابی، در آن زمان روی داد، پشیمانی نبود، بلکه بیم و دهشت بوده است.

ابوالحسن دارقطنی (م ۳۸۵) نقل می‌کند که فردی در لباس احرام و سفر حج، تخم شترمرغی را بشکست و بخورد، "فَسَقَطَ فِي يَدَيْهِ"، پس از امام علی طلب فتوا کرد... (دارقطنی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۲۷۶). متقی هندی نقل کرده که پادشاه روم به عبدالملک مروان نامه‌ای نوشت و وی را تهدید کرد، "فَسَقَطَ فِي يَدَيْهِ" (متقی، ۱۴۰۱، ج ۱۴: ۲۹). ابن عساکر دمشق (م ۵۷۱) حدیثی مسند از ابن عباس نقل می‌کند که چون فرشتگان الهی برای عذاب قوم لوط فروآمدند، "أَسْقَطَ فِي يَدَيْ إِبْرَاهِيمَ" (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۰: ۳۱۵).

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

در متون پیش آمده و بسیار متون حدیثی، ادبی و تاریخی دیگر، تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ یا همانند آن، به کار رفته است، حال آنکه هیچ نشانی از پشیمانی و ندامت در معنای آن جملات یافت نمی شود.

این فهم و برداشت در ادبیات معاصر عربی نیز یافت می شود، خلیل جبران (م ۱۳۵۰) می سراید:

"خَلِيلِي مَا بَالِي وَ حَوْلِي خَلَائِقُ تَعِجُ
أَرَانِي فِي سَكِينَةٍ فَلَدَفَدِ
فَلَا تُغْرِيَانِي بِالسُّلُوِّ فَقَدْ أَبَى
إِبَائِي سُلُوًّا حِينَ يُسْقَطُ فِي يَدَيَّ"
(جبران، ۲۰۰۹: ۲۱۸)

ای دوستانم، چه گونه خویشان را در آسودگی بینم حال آنکه مردمانی پیرامونم ناله می زنند، پس مرا به آسایش و سوسه نکنید که غیرتم مرا از آسودگی بازمی دارد آن گاه که با امر ناگهانی بیمناکی روبرو شوم.

بی گمان در این سروده نیز تعبیر "يُسْقَطُ فِي يَدَيَّ" بر پشیمانی دلالت ندارد. بر اساس آنچه گذشت تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و همانند آن به معنای پشیمانی نیست؛ زیرا این معنا با سیاق آیه ۱۴۹ سوره اعراف (نخستین کاربست شناخته شده این عبارت، و تنها کاربست قرآنی آن) و همچنین با فهم و دریافت و کاربست ادیبان و شاعران عرب زبان متقدم و معاصر سازگاری ندارد. سخن ابن عطیه اندلسی درباره ارتباط تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و معنای پشیمانی، قابل توجه و اتباع است: نظر من چنین است که پشیمانی عارضه ای است که گاه بر کسی که "سَقَطَ فِي يَدِهِ" روی می دهد و گاه روی نمی دهد؛ پشیمانی معنای اصلی تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ نیست (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۵۶).

۳-۲- مواجهه با امر ناگوار ناگهانی

تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در قرآن کریم و بسیاری از متون متقدم و معاصر عربی را نمی توان به معنای پشیمانی دانست. بر پایه شواهد، قرائن و تصریح بسیاری از پژوهشگران، معنای

اصلی و اساسی تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» مواجه شدن با امری ناگهانی و ناگوار است که البته ممکن است ترس، درماندگی، ناتوانی و پشیمانی به همراه داشته باشد.

برخی مفسران چنین دیدگاهی دارند، نخستین آنان شیخ طوسی است؛ وی می‌نویسد: «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» یعنی بلایی در دستانشان فروافتاد و آن بلاء را دریافتند چنانکه گویی بلا در دستانشان بود. و این جمله را به فردِ پشیمان گویند از آن جهت که آنچه را بر وی پنهان بوده، دریافتی است (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۵۴۶).

ابن کرامه بیهقی (م ۴۹۴) سخنی همانند شیخ طوسی دارد. (ابن کرامه، ۱۴۳۹، ج ۴: ۲۷۸) و علامه طباطبایی نیز از مجموعه سخنان مفسران، سخن شیخ طوسی را ترجیح می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۵۰).

آیه الله سیدحسین بروجردی (م ۱۳۸۰) نیز به معنای تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» توجه کرده و در اینباره چنین گفته است: این جمله به معنای سرگردانی بنی‌اسرائیل است، از آن جهت که اگر چیزی ناگهان و به غفلت بر دست فروافتد، به شدت مایه تحیر می‌شود (منتظری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۳).

با مراجعه مجدد به آیه اعراف/۱۴۹، سازگاری این معنا با سیاق و ترتیب گزاره‌های موجود در آیه نیز آشکار می‌شود. تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» در توصیف حال بنی‌اسرائیل آمده است؛ غیبت چهل‌روزه حضرت موسی، پیروی از سامری، گوساله‌پرستی...

﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

و آن‌گاه که «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» و دیدند که گمراه شده‌اند، گفتند: اگر پروردگارمان بر ما مهربانی نکند و ما را نیامرزد، بی‌گمان از زیانکاران خواهیم بود.

اگر تعبیر «سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ» به معنای پشیمانی یا تباهی دستاورد یا ناتوانی بدانیم، در ترتیب جملات آیه خللی روی می‌دهد. آدمی نخست گمراهی خویش را می‌بیند و پس از آن از کرده خود پشیمان می‌شود، یا آنکه تباهی کردارش بر او آشکار می‌شود، یا آنکه در ادامه راه خویش درمانده و ناتوان می‌شود! و بی‌گمان سخن حکیمانه خداوند بر پایه نظم و

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی زنانی

سامان است. تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ معنایی را در بر گرفته که پیش از آشکار شدن گمراهی روی می دهد، نه پس از آن! در واقع، مفسران و ادیبانی که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و همانند آن را به معنای پشیمانی دانسته اند، به نتیجه و سرانجام این تعبیر نظر کرده اند، و تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به لازمه آن معنا کرده اند.

چنانکه گذشت، کاربست تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و همانند آن در متون متقدم و معاصر نیز بر آن دلالت دارد که عرب زبانان از این عبارت چنین فهمیده اند: مواجهه با امر ناگاه و ناگوار که البته ترس و درماندگی را به دنبال دارد. این معنا با تحلیل صرفی، نحوی و بلاغی عبارت ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ نیز سازگاری کامل دارد. واژه سَقَطَ، فی، ید به معنای حقیقی خویش به کار رفته اند. نائب فاعل سَقَطَ نیز به واقع مجهول است؛ امری ناشناخته، نابه هنگام و ناگوار. به حقیقت چیزی در دست آدمی فروافکنده شده است! چنانکه بنی اسرائیل پس از پیروی از سامری و مدتی گوساله پرستی، با حضرت موسی، پیام سنگین بار توحید، ده فرمان، و کیفر بت پرستی و شرک روبرو شدند؛ مواجهه با آنچه پیش بینی نمی کردند و البته خوشایند آنان نبود.

۳-۳- تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ و بازگردان فارسی

مترجمان قرآن کریم از تفاسیر تأثیر پذیرفته اند، و بیشتر آنان تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به معنای پشیمانی دانسته اند، از آن جمله اند: ولی الله دهلوی، احمد میبدی (تفسیر کشف الاسرار)، ترجمه تفسیر نسفی، آیتی، مهدی الهی قمشهای، حسین انصاریان، اصغر برزی، محمد بروجردی، ابوالقاسم پاینده، کاظم پورجوادی، زین العابدین رهنما، جلال الدین فارسی، علی گرمارودی، طاهره صفارزاده، بانو امین اصفهانی (تفسیر مخزن العرفان).

برخی از مترجمان نیز سعی کرده اند تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ را به عبارتی مَثَل گونه در فارسی بازگردانند که در معنای پشیمانی به کار می رود، همچون: انگشت ندامت به دندان گزیدن. محمد رضاخانی، محمدمهدی فولادوند. برخی مترجمان تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيَدِهِمْ﴾ واژه به واژه و تحت اللفظی به پارسی بازگردانده اند، بنگرید: "چون در افتادند در

دست‌هاشان" ابوالفتوح رازی (تفسیر روض الجنان). "چون افکنده شد در دست‌هاشان". محمد ثقفی، رضا سراج، ابوالحسن شعرانی، صفی علی‌شاه و عباس مصباح‌زاده. گروهی از مترجمان تعبیر ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را بدان معنا دانسته‌اند که حقیقت، گناه و یا به ویژه گوساله‌پرستی در دستان بنی‌اسرائیل فروافتاد، بنگرید: "حقیقت به دستشان افتاد" محمد رضا آدینه‌وند، اکبر غفوری، محمدعلی رضایی، ناصر مکارم شیرازی. "نادرستی کارشان- پس از بازگشت موسی- به دستشان افتاد" محمدرضا صفوی. "افتاد آن گناه اندر دست‌های ایشان" ترجمه تفسیر طبری. "گوساله [پرستی] در دست‌های آنان افتاد" کاظم ارفع، محمود یاسری، علی کرمی فریدنی، محمود یاسری.

دو تن از مترجمان نیز بیشتر به ماده سقوط توجه کردند و ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را چنین ترجمه کرده‌اند: "سقوط خود را به دست خود دیدند" محمود صلواتی، علی‌اکبر طاهری. "جریان شومشان در برابرشان آشکارا سقوط داده شد" محمد صادقی تهرانی.

برخی مترجمان نیز تعبیر ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را به معنای دریافتن حقیقت و آشکار شدن آن دانسته‌اند، بنگرید: "حقیقت را دریافتند" مهدی حجتی. "حقایق برایشان روشن شد" احمد کاویان‌پور و ابراهیم موثق عاملی بر آن است که آشکار شدن حقیقت را با تعبیر کنایی در پارسی بیان کند، از این رو ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را ترجمه کرده است: "به خود آمدند". این ترجمه از سوی علی مشکینی و حسین استادولی نیز پذیرفته شده است.

از میان مترجمان، شهاب تشکری، ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را چنین بازگردانده است: "مواجه شدن چون با آن". علی ملکی که در ترجمه خویش سعی کرده قرآن را به زبان محاوره امروزی نزدیک کند، ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را این چنین ترجمه کرده است: "آن مجسمه روی دستشان ماند و فهمیدند چه کلاه بزرگی سرشان رفته است" (مستند ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، نرم‌افزار جامع تفاسیر نور نسخه ۳ و تارنمای quran.inoor.ir است).

بر پایه آنچه گذشت، تعبیر ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ به معنای پشیمانی نیست؛ بلکه به معنای مواجه شدن با امری ناگهانی، ترسناک و ناپسند است که سرگردانی در پی دارد، والبته ممکن است پشیمانی نیز به همراه آورد. بنابراین می‌توان ﴿وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را چنین

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن — محمد سلطانی رنانی

به فارسی بازگرداند: "و چون ناگاه با ناشناخته‌ی ناگواری روبرو شدند." و اگر مترجم بر آن باشد که در ترجمه ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾، مثلی فارسی به کار ببندد، نزدیک‌ترین بازگردان چنین خواهد بود: "و چون ناگاه به چاه فروافتادند؛ زیرا "به چاه افتادن" نزدیک‌ترین سخن پارسی است که مواجه شدن ناگهانی با خطر ناشناس را به ذهن تداعی می‌کند. در ترجمه آیه به انگلیسی، بهترین بازگردان را از آن تامس ایروینگ (T. B. Irving؛ مسلمان آمریکایی، م. ۲۰۰۲) یافتیم، وی عبارت ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را چنین بازگردانده است: "When the matter was dropped in their hands".

۴- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

- ۱- در قرآن کریم، یکبار تعبیر "سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ" به کار رفته است. ماده س ق ط در این تعبیر در ساخت مجهول و همراه با حرف "في" آمده است.
- ۲- نبود کاربست پیشین برای این تعبیر، و ساخت مجهول از ماده س ق ط، لغت‌شناسان و ادیبان عرب و مفسران قرآن را در تحلیل ادبی-بلاغی این تعبیر و آشکار ساختن معنای آن دچار تردید و اختلاف نموده است.
- ۳- بیشتر مفسران قرآن، و به پیروی از آنان مترجمان، این تعبیر را به معنای پشیمان شدن دانسته‌اند. ولی با جستجو و پیگیری آثار متقدم تفسیر، حدیث، سیره و تاریخ آشکار می‌شود که تعبیر ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ الزاماً به معنای پشیمانی نیست.
- ۴- ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ به معنای مواجه شدن با رویداد ترسناک، نابه‌هنگام و ناشناس است که البته گاه پشیمانی نیز در پی دارد. ﴿سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ به واقع چنین موقعیتی را به حالت کسی همانند می‌کند که ناگاه از بالا چیزی ناشناخته در دستانش فروافتاده و از این رویداد ترسیده است.
- ۵- از این رو می‌توان آیه اعراف/۱۴۹ را چنین به فارسی بازگرداند:

﴿وَلَمَّا سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

و چون "ناگاه با ناشناخته‌ی ناگواری روبرو شدند" و دیدند که به‌راستی گمراه شدند، گفتند: اگر پروردگاران بر ما مهربانی نکند و ما را نیامرزد، بی‌گمان از زیان‌کاران خواهیم بود.

و اگر بر آن باشیم که تعبیر ﴿سَقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ را به مثلی فارسی بازگردانیم، این ترجمه پیشنهاد می‌شود: و چون "ناگاه به چاه فروفتادند" و دیدند که به‌راستی گمراه شدند، گفتند: اگر پروردگاران بر ما مهربانی نکند و ما را نیامرزد، بی‌گمان از زیان‌کاران خواهیم بود.

۵- منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن إسحاق، محمد بن إسحاق بن يسار، السيرة والمغازي، دار الفكر: بيروت، (۱۳۹۸ق).
- ۲- ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، دارالفکر: بیروت، (۱۴۲۰ق).
- ۳- ابن جزّی، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، دار الأرقم: بیروت، (۱۴۱۶ق).
- ۴- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، دار الفكر: بیروت، (۱۴۲۰ق).
- ۵- ابن عاشور، محمد طاهر تونسّی، التحرير والتنوير، موسسه التاريخ العربی: بیروت، (۱۴۲۰ق).
- ۶- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق. دار الفكر: بیروت، (۱۴۱۵ق).
- ۷- ابن عطیة، عبدالحق، المحرر الوجيز، دارالکتب العلمیة: بیروت، (۱۴۲۲ق).
- ۸- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، الاعلام الاسلامی: قم، (۱۴۰۴ق).
- ۹- ابن قتیبة، عبد الله بن مسلم دینوری، الإمامة والسياسة. دار الکتب العلمیة: بیروت، (۱۴۱۸ق).
- ۱۰- ابن کرامه، محسن بن محمد بیهقی، التهذيب فی التفسیر، دارالکتب اللبنانی: بیروت، (۱۴۳۹ق).
- ۱۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر: بیروت، (۱۴۱۴ق).
- ۱۲- ابوزهره، محمد، زهرة التفاسیر، دار الفكر: بیروت، (بی‌تا).
- ۱۳- بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور، دارالکتب العلمیة: بیروت، (۱۴۲۷ق).

بررسی ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾ در تفاسیر قرآن، ادبیات عربی و ترجمه های پارسی قرآن _____ محمد سلطانی زنانی

- ۱۴- جبران، جبران خلیل، دیوان شعر، المطبعة المعربة: بیروت، (۲۰۰۹م).
- ۱۵- جبل، محمد حسن، المعجم الاشتقاقی الموصول لألفاظ القرآن الكريم، مكتبة الآداب: القاهرة، (۲۰۱۰م).
- ۱۶- خضری، محمد امین، من أسرار حروف الجرّ فی الذکر الحکیم، مكتبة وهبة: القاهرة، (۱۴۰۹ق).
- ۱۷- دارقطنی، أبو الحسن علی، سنن الدارقطنی، مؤسسة الرسالة: بیروت، (۱۴۲۴ق).
- ۱۸- درویش، محیی الدین، إعراب القرآن وبیانه، دار الیمامة: دمشق، (۱۴۱۵ق).
- ۱۹- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس رضوی: مشهد، (۱۴۰۸ق).
- ۲۰- رازی، فخرالدین محمد بن عمر. مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، داراحیاء التراث: بیروت، (۱۴۲۰ق).
- ۲۱- رشیدرضا، محمد، المنار، دارالمعرفة: بیروت، (۱۴۱۴ق).
- ۲۲- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، دارالفکر: بیروت، (۱۴۱۴ق).
- ۲۳- زجاج، أبو إسحاق إبراهيم بن السری، معانی القرآن و إعرابه، المكتبة العصرية: بیروت، (۱۹۷۳م).
- ۲۴- زمخشری، ابوالقاسم محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی: بیروت، (۱۴۰۷ق).
- ۲۵- زید شهید، زید بن علی بن الحسین علیهم السلام، تفسیر غریب القرآن، الدار العلمیة: بیروت، (۱۴۱۲ق).
- ۲۶- سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، دارالفکر: بیروت، (۱۴۱۶ق).
- ۲۷- سمین، احمد بن یوسف، الدرّ المصون فی علوم الکتاب المکنون، دار الکتب العلمیة: بیروت، (۱۴۱۴ق).
- ۲۸- سیدرضی، محمد بن حسین موسوی، نهج البلاغة، انتشارات هجرت: قم، (۱۴۱۴ق).
- ۲۹- سید قطب، ابراهیم شاربی، فی ظلال القرآن، دار الشروق: بیروت، (۱۴۰۸ق).
- ۳۰- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، المزهر فی علم اللغة، دار الکتب العلمیة: بیروت، (۱۴۱۸ق).
- ۳۱- شیرازی، سید محمد حسینی، تقریب القرآن الی الاذهان، دار الوفاء: بیروت، (۱۴۰۰ق).
- ۳۲- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی: لبنان، (۱۳۹۰ق).

- ۳۳- طبرسی، فضل بن حسن، *الجوامع الجامع*، مرکز مدیریت حوزه قم: قم، (۱۴۱۲ق).
- ۳۴- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالمعرفة: بیروت، (۱۴۱۲ق).
- ۳۵- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل والملوک* (تاریخ طبری)، دار التراث: بیروت، (۱۳۸۷ق).
- ۳۶- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث: بیروت، (بی تا).
- ۳۷- فرّاء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، هیئة المصرية العامة للكتاب: قاهره، (۱۴۰۰ق).
- ۳۸- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، موسسه الاعلمی: بیروت، (۱۴۱۲ق).
- ۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، انتشارات اسلامیة: تهران، (۱۳۶۲ش).
- ۴۰- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، مؤسسة الرسالة: بیروت، (۱۴۰۱ق).
- ۴۱- مقاتل، مقاتل بن سلیمان بلخی، *تفسیر مقاتل*، دار إحياء التراث العربی: بیروت، (۱۴۲۳ق).
- ۴۲- منتظری، حسینعلی، *نهایة الاصول* (تقریر درس خارج اصول آیه الله بروجردی)، نشر تفکر: تهران، (۱۳۷۳ش).
- ۴۳- میدانی، عبدالرحمن حسن حبکة، *معارج التفکر و دقائق التدبیر*، دار القلم: دمشق، (۱۴۰۸ق).
- ۴۴- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، *وضح البرهان فی مشکلات القرآن*، دار القلم: بیروت، (۱۴۱۰ق).
- ۴۵- واحدی، علی بن أحمد نیشابوری، *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*، دار الکتب العلمیة: بیروت، (۱۴۱۵ق).
- ۴۶- واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، دار الأعلمی: بیروت، (۱۴۰۹ق).
- ۴۷- نرم افزار جامع تفاسیر نور نسخه ۳.
۴۸. تارنمای quran.inoor.ir.